

## بررسی تأثیرات اجتماعی انقلاب اسلامی بر تحولات کشورهای حاشیه دریای خزر

مصطفی ملکوتیان\*

یدالله سپهری\*\*

### چکیده

میزان تأثیر انقلاب بر شرایط اجتماعی کشورهای حاشیه خزر متناسب با سطح روابط، وجود ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی مشترک و یا موانع پیش روی، متفاوت بوده است. مهم‌ترین راهبرد ایران از زمان فروپاشی شوروی تا سال ۱۹۹۵، تأکید بر استقلال این کشورها، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای، توسعه همکاری‌های تجاری و اقتصادی، ارائه مزیت‌های ترانزیتی، پرهیز از اقدامات تنش‌زا، رفع اختلافات در منطقه، تأکید بر نفی سلطه قدرت‌های بیگانه در منطقه و تأکید بر حل و فصل مسالمت‌آمیز و تقویت اعتماد فی ما بین ایران و کشورهای منطقه بوده است. مقطع دوم از سال ۱۹۹۵ تا کنون است که روابط این کشورها با جهان غرب، رژیم صهیونیستی و ترکیه و ... رشد قابل ملاحظه‌ای کرده و تبلیغات ضد انقلاب اسلامی در این کشورها شدت گرفته است که توجه بیشتر مسئولین دستگاه دیپلماسی انقلاب اسلامی، در این رابطه تأثیرگذار است.

### واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، تأثیرات اقتصادی، تأثیرات اجتماعی، دریای خزر.

malakootian@gmail.com

\*. دانشیار دانشگاه تهران.

\*\* عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان.

تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۲۵

## مقدمه

انقلاب اسلامی ایران به دلیل جذابیت در شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا، نتایج، حرکت‌ها و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیطی، منطقه‌ای و بین‌المللی پدیده‌ای اثرگذار در کلیت جهان اسلام بوده است. این مایه‌های اثربخش به طور طبیعی یا ارادی و برنامه‌ریزی شده از طریق کنترل‌هایی چون ارگان‌های انقلابی سازمان‌های رسمی دولتی و اداری، ارتباط علمی و فرهنگی، مبادلات تجاری و اقتصادی، در کشورهای مسلمان بازتاب یافته و دولت‌ها و جنبش‌ها و سازمان‌های دینی را در آن جوامع به درجات مختلف متأثر کرده است.

## ظهور کشورهای مستقل پس از فروپاشی

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به ظهور هشت کشور جدید در یک تقاطع استراتژیکی منجر شد. تقاطعی که در شمال منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، غرب چین و جنوب روسیه واقع است. سه کشور از این هشت کشور یعنی آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در حاشیه اروپا واقع شده‌اند. منطقه‌ای کوهستانی که بین رشته کوه قفقاز بزرگ و ترکیه و ایران قرار دارد. (قفقاز جنوبی)

پنج کشور دیگر یعنی ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان در استپ‌ها و بیابان‌های وسیعی واقع شده‌اند که از دریای خزر به سمت شرق تا رشته کوه‌های التای و پامیر گسترش یافته‌اند. این پنج کشور نیز کشورهای «آسیای مرکزی» نام گرفته‌اند. (مه‌دی‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۹) متأسفانه این منطقه جغرافیایی در برخی از رسانه‌های فارسی زبان و حتی توسط برخی از تحصیل کرده‌ها، در چند سال اخیر «آسیای میانه» خوانده می‌شود، با وجود اینکه نام این منطقه همواره «آسیای مرکزی» به معنای مرکز قاره آسیا بوده و هست. (تقوی اصل، ۱۳۸۴: ۲۹)

## ۱. وضعیت اقتصادی آذربایجان

در بین منابع معدنی این کشور، نفت و گاز دارای نقش تعیین‌کننده‌ای هستند. استخراج صنعت نفت برای اولین بار در سال ۱۸۷۱ آغاز شد. اغلب منابع نفت این کشور در دریای خزر قرار دارد. اما به واسطه عدم دسترسی مستقیم این کشور به آب‌های آزاد و بین‌المللی نیازمند انتقال منابع انرژی خود از طریق خطوط لوله است. نفت ۸۳ درصد صادرات این کشور را

تشکیل می‌دهد که ۶۰ درصد آن به اتحادیه اروپا صادر می‌شود. غیر از نفت، ماشین‌آلات و تجهیزات، پنبه و نخ، مواد غذایی، مواد شیمیایی و پتروشیمی از مهم‌ترین منابع درآمدزا برای این کشور محسوب می‌گردند.

در تلاش برای حل برخی معضلاتی که تمرکز صادرات در بخش نفتی می‌تواند به وجود آورد، صندوق بین‌المللی پول، تقسیط اخیر بدهی‌های این کشور را منوط به ایجاد «صندوق نفت» کرده است تا عواید حاصل از بخش انرژی را به دیگر بخش‌های اقتصاد هدایت کند.

## ۲. وضعیت اقتصادی ازبکستان

ازبکستان سرزمینی خشک و محصور است که تنها ۱۰ درصد از زمین‌های آن زراعی هستند. بیشتر زمین‌های این جمهوری بر اساس مدل توسعه دوران اتحاد شوروی به کشت پنبه اختصاص دارند. عمده‌ترین منابع این کشور، گاز طبیعی، نفت خام، زغال سنگ، طلا و اورانیوم هستند. ازبکستان سومین کشور صادر کننده پنبه دنیاست. همچنین تولید کننده بزرگ طلا ( هشتمین کشور تولید کننده طلا در جهان)، نفت و مواد شیمیایی است. کشور ازبکستان در پی اعلام شرایط سنگین از سوی روسیه برای باقی ماندن این کشور در حوزه روبل، در نوامبر ۱۹۹۳ میلادی پول ملی خود را به نان «سوم» منتشر کرد. در اواسط ۱۹۹۴ صندوق بین‌المللی پول کمک خود را به این جمهوری به حالت تعلیق درآورد؛ چون دولت ازبکستان نسبت به برنامه‌های اصلاحی و شرایط منفی و تأثیرگذار خارجی که از بحران‌های مالی روسیه ناشی می‌شد، پاسخ مناسب نداده بود. از سال ۱۹۹۵ تا حدودی در عملکرد اقتصادی ازبکستان آثار بهبود آشکار شد. دشواری‌های اقتصادی و رویکرد نه چندان مناسب به سرمایه‌های خارجی، موجب کساد اقتصادی این کشور شد. با اجرای برنامه اصلاحات اقتصادی از ۲۰۰۴ میلادی، در روندهای اقتصادی بهبود چشمگیری حاصل شد. نرخ تورم در سال ۲۰۰۷ در ازبکستان به ۷/۸ درصد کاهش یافت. (کولایی، ۱۳۸۹: ۱۴۷)

## ۳. وضعیت اقتصادی ترکمنستان

ترکمنستان و دیگر جمهوری‌های اتحاد شوروی سابق، میراث‌دار اقتصاد فروپاشیده شوروی می‌باشند. ترکمنستان صحرای وسیعی است که کشاورزی متمرکز و آبادی‌های متعددی دارد.

ترکمنستان دارای منابع بزرگ گاز است که آن را به کشورهای مختلف از جمله ایران صادر می‌کند. رشد اقتصادی این کشور در سال ۲۰۰۷ بر اساس آمارصندوق بین‌المللی پول حدود ۱۱/۵ درصد بوده است که آن را یازدهمین کشور دارای رشد اقتصادی سریع می‌سازد. بیشتر ذخایر نفتی در غرب ترکمنستان از جمله در پهنای دریای خزر متمرکز شده است. ترکمنستان از نظر منابع گاز طبیعی پنجمین کشور جهان است. معادن نمک کلسیم در منطقه قویرداق وجود دارد و ذخایر نمک طبیعی دریایی در خلیج قره بوغاز متمرکز است. بیشتر زمین‌های کشاورزی ترکمنستان را دشت قره قوم تشکیل می‌دهد که اغلب برای چراندن گوسفندان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در زمین‌های کشاورزی محصولات پنبه و میوه و تره‌بار و انگور پرورش می‌دهند. همچنین پرورش ابریشم نیز توسعه یافته است. در طی سال‌های اخیر تولید گندم نیز افزایش خوبی داشته است. در مزارع اشتراکی تحت آبیاری، پنبه کشت و گوسفند و شتر و اسب پرورش می‌یابد. مهم‌ترین محصول ترکمنستان «پنبه» است که بیش از نیمی از زمین‌های کشاورزی این کشور را دربر می‌گیرد و از این نظر دهمین کشور جهان است.

اقتصاد این کشور عمدتاً در تملک دولت است و از مرکز برنامه‌ریزی می‌شود. خصوصی‌سازی در این کشور گسترش چندانی نیافته است. ترکمنستان اقتصادی رو به رشد دارد و با توجه به منابع سرشار نفت و گاز و پنبه از طریق سرمایه‌گذاری مشترک، صنایع پایین‌دست را گسترش داده است و جز معدود کشورهایی است که فراورده‌های نفتی صادر می‌کند و با فراوری محصول پنبه و با اتکا به نیروی کار خود صنایع نساجی پیشرفته‌ای دارد که از بازار فروش بالایی در سطح جهان برخوردار می‌باشد و با فروش سالانه مقدار زیادی گاز به کشورهایی چون اوکراین و روسیه و چند کشور دیگر از جمله ایران اقدام به کسب درآمدهای سرشار می‌کند.

#### ۴. وضعیت اقتصادی قزاقستان

قزاقستان بیشترین تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه را در میان جمهوری‌های تازه استقلال یافته دارد و نیز از اعضای مهم سازمان همکاری شانگهای است. این کشور از لحاظ منابع زیرزمینی هم بسیار غنی است. از سال ۱۹۹۳ تاکنون بیش از ۴۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی در این بخش انجام شده است. همچنین قزاقستان صاحب منابع بزرگ اورانیوم، کروم، روی و سرب و منگنز، مس، زغال سنگ، آهن و طلا است که در بین ۱۰ کشور اول دنیا

قرار می‌گیرد. علاوه بر این، منابع بزرگ نفت و گاز طبیعی را در اختیار دارد. کشف و استخراج نفت در مناطق غربی در کنار دریای خزر، این کشور را جزو کشورهایی با درصد رشد اقتصادی بالا در میان جمهوری‌های اتحاد شوروی سابق قرار داده است. در دسامبر ۱۹۹۶ قرارداد کنسرسیومی که احداث خطوط لوله از غرب قزاقستان در منطقه نفتی تنگیز را به سمت دریای سیاه هدف قرار داده بود، صادرات نفت این کشور را به طور چشمگیری افزایش داد. (Pinar, 2007: 1179)

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و متعاقباً کاهش تقاضا برای تولیدات سنتی صنایع سنگین قزاقستان، اقتصاد این کشور را با رکود روبه‌رو کرد. این وضعیت در سال ۱۹۹۴ وخیم‌تر از سال‌های قبل گردید. دولت قزاقستان برای برون رفت از این کساد در سال‌های ۱۹۹۷ - ۱۹۹۵ اصلاحات اقتصادی و برنامه خصوصی‌سازی را سرعت بخشید. این امر شروع انتقال سرمایه از بخش دولتی به بخش خصوصی و نتیجتاً رشد دو رقمی اقتصاد کشور را در سال‌های ۲۰۲۱ - ۲۰۰۰ فراهم آورد. این رشد در سال‌های ۲۰۰۷ - ۲۰۰۲ به هشت درصد به طور متوسط در سال رسید که باعث پیشرفت ناگهانی در زمینه اقتصادی این کشور شد. کارشناسان فاکتورهای مهم را رشد اقتصادی، برداشت بسیار خوب از زمین‌های کشاورزی و سرمایه‌گذاری کشورهای خارجی دانستند. در سال ۲۰۰۴ میلادی ۱۹ درصد از جمعیت این کشور در زیر خط فقر زندگی می‌کردند. نرخ تورم در این کشور ۸/۶ درصد در سال ۲۰۰۶ اعلام شده است. واحد پول این کشور از سال ۱۹۹۳ «تنگه» می‌باشد.

#### اهداف اقتصادی مشترک ایران و کشورهای حاشیه دریای خزر

ایران و روسیه در مورد بهره‌برداری از منابع نفت و گاز دریای خزر و انتقال انرژی از حوزه خزر نیز دارای اهداف و منافع مشترکی هستند و به همین دلیل برای متوقف کردن اجرای خط لوله باکو - جیهان و خط ترانس خزر با یکدیگر همکاری می‌کنند؛ هرچند که منافع بلندمدت آنها درباره مسیرهای انتقال انرژی متفاوت است.

حضور فعال جمهوری اسلامی ایران و روسیه در اقتصاد آذربایجان، باعث شده است که آذربایجان عملاً به منافع همسایگان خود توجه بیشتری نشان دهد. کنفرانس سران کشورهای حاشیه خزر نمونه بسیار خوبی است که در آن عملاً از مانورهای نظامی همپیمانان

فرمانطقه‌ای در خزر جلوگیری شد و حضور کشورهای فرمانطقه‌ای را کم‌رنگ‌تر از قبل کرد. در این میان دولت ارمنستان با پیوندهای امنیتی ویژه خود با جمهوری اسلامی ایران و روسیه به یک متحد تراز اول برای بازیگران منطقه‌ای حوزه قفقاز تبدیل شده است.

ایران و روسیه در عرصه بین‌المللی موقعیتی نسبتاً مشابه و مواضع مشترکی دارند که باعث شده است همکاری‌های خود را در این زمینه به طور فزاینده‌ای گسترش دهند. از مشترکات می‌توان به تلاش برای تغییر منزلت منطقه‌ای خود، مخالف با نظام تک‌قطبی و سلسله مراتبی، مقابله با نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز، مخالفت با گسترش ناتو به شرق و نیز جلوگیری از تسلط شرکت‌های بزرگ فراملیتی بر انرژی حوزه خزر اشاره کرد.

با نگاه دیگر، حضور نظامی روسیه در منطقه به نفع جمهوری اسلامی ایران است. در حالی که ایران و روسیه به عنوان رقبای یکدیگر در عرصه انرژی محسوب می‌شوند اما در منطقه آسیای میانه و قفقاز، سیاست‌های مشابهی را دنبال می‌کنند و آن، کاهش حضور قدرت‌های فرمانطقه‌ای است؛ زیرا این حضور امنیت منطقه را به خطر می‌اندازد و منجر به بروز مناقشات منطقه‌ای خواهد شد که سطح اعتماد میان کشورهای منطقه را کاهش خواهد داد.

حضور جمهوری اسلامی ایران در منطقه می‌تواند حضور چین و ایالات متحده را کاهش دهد که این مهم با منافع روسیه هم‌سو است؛ زیرا عملاً ایران و روسیه در منطقه قفقاز سیاستی هم‌سو را دنبال می‌کنند. از طرفی با حضور روسیه در منطقه از حضور نظامی آمریکا کاسته می‌شود که به نفع جمهوری اسلامی ایران خواهد بود؛ چون تهدیدات علیه ایران را کاهش می‌دهد و در عین حال با حضور ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای، ایران شاهد ارتقاء سطح روابط امنیتی خود با همسایگانش و دو عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد (روسیه و چین) خواهد بود که عملاً منجر به ارتقا سطح امنیت منطقه خواهد شد.

ایران به لطف موقعیت ژئواستراتژیک خود در مرکز منطقه جدیدی که پس از فروپاشی پدید آمده، از فرصت‌های اقتصادی گوناگونی بهره‌مند شده است. اهمیت این فرصت‌ها را با توجه به موانع سیاسی موجود بر سر راه روابط تجاری عادی با شرکای غربی نمی‌توان نادیده گرفت. نخست اینکه، در حالی که کلیه جمهوری‌های آسیای مرکزی - همراه با ارمنستان و آذربایجان - محصور در خشکی می‌باشند و به دریای آزاد راه ندارند، ایران دارای طولانی‌ترین

خط ساحلی در خلیج فارس و دریای عمان است. از نظر اکثر کشورهای تازه استقلال یافته، بهترین مسیر برای دسترسی به آب‌های آزاد از ایران عبور می‌کند. دوم اینکه، ایران در حال حاضر دسترسی آسان‌تری به چین و خاور دور از طریق آسیای مرکزی دارد. سوم اینکه، نقشه جدید منطقه بیانگر آن است که بر خلاف گذشته که برای تبادلات با اروپا، ایران به ترکیه وابسته بود، اینک ترکیه برای دسترسی به آسیای مرکزی و آذربایجان به ایران وابسته است. موضوع انرژی از موضوعات مهم کشورهای منطقه است که به ویژه برای آذربایجان که در میان تولیدکنندگان نفت و گاز قرار دارد، انتقال انرژی به بازارهای مصرف بسیار مهم است. از سوی دیگر، ایران، کشورهای تازه استقلال یافته را اهداف مهمی برای اقتصاد صادرات‌محور خود تلقی می‌کند و کشورهای مزبور نیز قادرند محصولات کشاورزی و صنعتی را با قیمت‌های ارزان‌تری از ایران دریافت کنند.

ترکمنستان تنها جمهوری مسلمان نشین آسیای مرکزی است که در آب و خشکی با ایران هم‌مرز است. با توجه به همین ویژگی منحصر به فرد، جمهوری اسلامی ایران برقراری و توسعه روابط با کشور ترکمنستان را اصل مهمی تلقی کرده و در مقایسه با دیگر جمهوری‌ها، روابط ویژه‌ای را برقرار کرده است. ایران با تأسیس «تصفیه خانه بزرگ» برای شهر عشق آباد، نمایشگاه بزرگ ایران خودرو و استفاده از اتوبوس‌های ایرانی در شهرهای ترکمنستان، آسفالت جاده‌های مرزی عشق آباد و جاده گئوک تپه به عشق آباد، توانسته است ارتباط هدفمندی را با کشور ترکمنستان برقرار نماید. احداث خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به ایران موسوم به «کرپچه - کردکوی» به طول ۲۰۰ متر از عواملی است که به همکاری دو جانبه و به دور از مسائل سیاسی در آینده کمک شایانی می‌کند. در آخر، رژیم حقوقی خزر یا رژیم حقوقی دریای خزر یکی از مهم‌ترین مسائل دریای خزر است که پس از فروپاشی شوروی، ظهور و بروز بیشتری پیدا کرد. رژیم حقوقی دریای خزر از جمله عواملی است که بر روابط ایران با دیگر جمهوری‌های منطقه مؤثر می‌باشد. به نظر می‌رسد لازم است تا در مورد دریای خزر و تاریخچه آن بررسی بیشتری صورت گیرد.

### تحقیق و پژوهش

به منظور تأیید مطالب ذکر شده تلاش گردید با انجام یک تحقیق میدانی صحت مطالب

سنجیده شود. لذا پرسشنامه‌ای در چند فصل تهیه و در بین افراد با ملیت‌های متفاوت توزیع گردید. در این بخش به نحوه پژوهش و نتایج آن پرداخته می‌شود.

#### ۱. تهیه پرسشنامه

با توجه به اطلاعات موجود، پرسش‌نامه‌ای تفصیلی در فصول و بندهای مختلف تهیه و در بین افراد با ملیت‌های قزاقستان، روسیه، آذربایجان و ترکمنستان توزیع گردید. اکثر این افراد مذهب غیر شیعه داشته و سطح تحصیلات آکادمیک نداشتند. هدف از این موضوع این بود که میزان اطلاع از اثرات انقلاب در احاد مختلف جامعه و عوام سنجیده شود.

در کل ۶۲، ۷۰، ۱۱۳ و ۱۶۲ پرسشنامه به ترتیب برای ملیت‌های آذربایجان، روسیه، قزاقستان و ترکمنستان تهیه شد که جمعاً ۴۰۷ پرسشنامه را شامل می‌گردید. تلاش گردید در تمامی سنین و از دو جنس، پرسش صورت پذیرفته تا نمونه اخذ شده نزدیکی بیشتری با جامعه داشته باشد. پس از جمع‌آوری و مرتب‌سازی پرسشنامه‌ها آزمون روایی و پایایی برای پرسشنامه انجام گردید.

#### ۲. توصیف و تفسیر پرسش‌نامه

برای سنجش پایایی پرسشنامه‌ها از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید. برای تخمین میزان نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد تنها داده‌های مربوط به کشور روسیه نرمال بوده و ۳ کشور دیگر دارای داده‌های غیر نرمال هستند. بنابراین برای مقایسه و تجزیه و تحلیل داده‌ها باید از آمار غیر پارامتری استفاده کرد. در این ارتباط آزمون کای اسکوئر و کروسکال والیس مورد استفاده قرار گرفت. مرحله بعدی پس از سنجش پایایی پرسش‌نامه‌ها انجام آزمون فرضیات است. آزمون فرضیات در درک اولیه نتایج آزمون کمک می‌کند. برای انجام آزمون فرضیات از آزمون کای اسکوئر یا کای دو استفاده گردید. نتایج نشان داد که افراد با ملیت‌های مختلف دارای دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به مباحث فرهنگی هستند و دید یکسانی در این زمینه ندارند. دیگر آزمونی که در این ارتباط استفاده می‌شود آزمون کروسکال والیس است. یکی از چند آزمون ناپارامتری پرکاربرد و معتبر، آزمون ویلکاکسون<sup>۱</sup> است. شاید بتوان شبیه‌ترین آزمون‌ها به این آزمون را آزمون

1. Wilcoxon.



علامت<sup>۱</sup> نام برد. اما ویلکاکسون یک تفاوت عمده با آزمون علامت دارد که برتری و رجحان آن را در به کارگیری آزمون نشان می‌دهد. نتایج این آزمون هم مؤید نتایج آزمون کای اسکوئر می‌باشد.

### ۳. توصیف داده‌ها

اطلاعات و داده‌های پرسش نامه در چهار گروه برای چهار ملیت آذربایجان، روسیه، قزاقستان و ترکمنستان جمع‌آوری گردید. نمرات ۱ تا ۱۰ به هر کدام از سؤالات داده شد. سپس میانگین وزنی تعیین کننده نمره میانگین هر سؤال در هر کشور شد. نمودار ۱ خصوصیات توصیفی داده‌های مورد مطالعه که همان نمرات تخصیص یافته هستند را نشان می‌دهد.

نتایج نشان می‌دهد که میانگین مقادیر میانگین تخصیص یافته به هر سؤال از ۳.۱ فراتر نمی‌رود. انحراف معیار ۰.۵ نشان می‌دهد پراکنش مقادیر میانگین‌ها هم زیاد نیست. مقادیر چولگی نشان دهنده نرمال نبودن داده‌ها و رده بین ۱.۶۵ تا ۵.۳۷ اطلاعات ناخوشایندی در مورد ارتباط این کشورها با فرهنگ انقلاب به ما می‌دهد. بر اساس نمودار ذیل اکثر پرسش شونده‌گان در چهار ملت مورد مطالعه دارای اطلاعاتی در حد کم (نمره ۳ از ۱۰) می‌باشند.

در مرحله بعد، برای هر کدام از گروه‌ها یا هر کشور نمرات تخصیص یافته بررسی گردید. در مرحله اول، میانگین نمرات تخصیصی به سؤالات کشور آذربایجان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج در جدول ذیل ارائه شده است. همان‌گونه که از نتایج بر می‌آید میزان میانگین نمرات در چهار کشور از ۲.۷ تا ۳.۳۲ متغیر است. انحراف معیارها بین ۰.۰۳ تا ۰.۰۶ تغییر می‌یابد. بیشترین نمره را در کشور ترکمنستان و کمترین نمره را کشور قزاقستان شاهد هستیم. انحراف معیارهای کم، نشان از پراکندگی کم داده‌ها حول میانگین دارد.

### ۳. تفسیر نتایج

یک. نتایج سؤالات میزان آشنایی مخاطبان با ایران

نتایج در جدول ۱ آمده است. همان‌گونه که از نمرات مشخص است میزان شناخت نسبی از ایران وجود دارد. این شناخت در مخاطبین آذری و قزاق بیشتر به صورت مستقیم بوده است و صحبت با دیگران در درجه بعدی قرار دارد. کمترین نمره مختص به شناخت از طریق

---

1. Sign.

مطبوعات و رسانه است. به نظر می‌رسد فعالیت بیشتر و شناخت کشور از این طریق باید مورد توجه قرار گیرد.

جدول ۱. نمرات مربوط به بخش میزان آشنایی مخاطبان با ایران

سؤال	ترکمستان	قزاقستان	روسیه	آذربایجان
آیا ایران را می‌شناسید؟	۵.۳	۵.۸	۳.۵	۳.۵
میزان شناخت شما از ایران از طریق مسافرت و برخورد مستقیم چقدر است؟	۴.۲	۵.۵	۳.۲	۵
میزان شناخت شما از ایران از طریق تحقیق و مطالعه چقدر است؟	۳.۶	۲.۹	۳.۳	۳.۲
میزان شناخت شما از ایران از طریق مطبوعات چقدر است؟	۳.۱	۲.۷	۳	۳.۷
میزان شناخت شما از ایران از طریق رسانه‌های تصویری چقدر است؟	۳.۷	۲.۸	۳.۳	۴.۵
میزان شناخت شما از ایران از طریق تصورات ذهنی چقدر است؟	۳.۹	۳.۱	۳.۶	۳.۵
میزان شناخت شما از ایران از طریق صحبت افراد دیگر چقدر است؟	۴.۵	۳.۲	۳.۴	۴.۷

دو. نتایج سؤالات میزان آشنایی مخاطبان با انقلاب اسلامی

نتایج در جدول ۲ آمده است. همانگونه که از نتایج بر می‌آید بیشترین شناخت از انقلاب و امام است. میزان شناخت در کشور آذربایجان بیشتر از دو کشور دیگر بوده است که شاید به دلیل ارتباط بیشتر با بخش آذری کشور باشد. کمترین میزان شناخت در کشور روسیه است.

جدول ۲. نمرات مربوط به بخش میزان آشنایی مخاطبان با انقلاب اسلامی

سؤال	ترکمستان	قزاقستان	روسیه	آذربایجان
آیا انقلاب ایران را می‌شناسید؟	۴.۱	۴.۱	۳.۴	۵.۴
میزان شناخت شما از انقلاب ایران چقدر است؟	۳.۶	۳.۵	۳.۶	۴.۴
میزان شناخت شما از امام خمینی چقدر است؟	۴.۲	۳.۲	۳.۳	۴
میزان شناخت شما از رژیم شاهنشاهی چقدر است؟	۳.۵	۳.۶	۲.۷	۴.۶
میزان شناخت شما از انقلاب ایران از طریق مسافرت و برخورد مستقیم چقدر است؟	۳.۲	۳.۶	۲.۷	۴.۵
میزان شناخت شما از انقلاب ایران از طریق تحقیق و مطالعه چقدر است؟	۲.۹	۲.۶	۲.۵	۳.۲
میزان شناخت شما از انقلاب ایران از طریق مطبوعات چقدر است؟	۲.۸	۳.۳	۳.۷	۳.۳
میزان شناخت شما از انقلاب ایران از طریق رسانه‌های تصویری چقدر است؟	۳.۳	۲.۹	۲.۹	۳.۳
میزان شناخت شما از انقلاب ایران از طریق تصورات ذهنی چقدر است؟	۳.۲	۲.۴	۳.۲	۳.۲
میزان شناخت شما از انقلاب ایران از طریق صحبت افراد دیگر چقدر است؟	۳.۲	۲.۴	۳.۲	۳.۲

سه. نتایج سؤالات میزان آشنایی مخاطبان با اثرات انقلاب ایران در جهان نتایج در جدول ۳ آمده است. بیشترین میزان شناخت از اثرات انقلاب در کشور ترکمنستان و آذربایجان سنجیده شده است.

جدول ۳. نمرات مربوط به بخش میزان آشنایی با اثرات انقلاب ایران در جهان

سؤال	ترکمنستان	قزاقستان	روسیه	آذربایجان
آیا اثرات انقلاب ایران در جهان می‌شناسید؟	۳.۲	۳	۲.۹	۳.۷
میزان شناخت شما از اثرات انقلاب اسلامی ایران در جهان چقدر است؟	۲.۹	۲.۶	۳	۳.۷
آیا انقلاب ایران فقط محدود به کشور ایران بوده است؟	۳.۴	۲.۶	۲.۱	۳
میزان شناخت شما از اثرات انقلاب اسلامی ایران در جهان از طریق مسافرت و برخورد مستقیم چقدر است؟	۳.۲	۳.۱	۳	۳.۱
میزان شناخت شما از اثرات انقلاب اسلامی ایران در جهان از طریق تحقیق و مطالعه چقدر است؟	۲.۸	۲.۸	۲.۸	۳.۱
میزان شناخت شما از اثرات انقلاب اسلامی ایران در جهان از طریق مطبوعات چقدر است؟	۳.۱	۲.۷	۳.۴	۳
میزان شناخت شما از اثرات انقلاب اسلامی ایران در جهان از طریق رسانه‌های تصویری چقدر است؟	۳	۳	۳.۲	۴.۲
میزان شناخت شما از اثرات انقلاب اسلامی ایران در جهان از طریق تصورات ذهنی چقدر است؟	۳.۲	۲.۸	۳.۵	۲.۹
میزان شناخت شما از اثرات انقلاب اسلامی ایران در جهان از طریق صحبت افراد دیگر چقدر است؟	۳	۳.۴	۲.۹	۳

چهار. نتایج سؤالات میزان آشنایی مخاطبان با اثرات انقلاب ایران در کشورهای آسیای میانه نتایج در جدول ۴ آمده است. به نظر، اطلاعات مخاطبان نسبت به اثر انقلاب در آسیای میانه بیشتر از جهان است.

جدول ۴. نمرات مربوط به بخش میزان آشنایی مخاطبان با اثرات انقلاب ایران

در کشورهای آسیای میانه

سؤال	ترکمنستان	قزاقستان	روسیه	آذربایجان
آیا انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه شناخته شده است؟	۳.۵	۳.۹	۲.۶	۳.۹
آیا انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه تأثیر گذار بوده است؟	۳	۳.۱	۳.۸	۳.۱
آیا انقلاب اسلامی ایران در بخش فرهنگی کشورهای آسیای میانه تأثیر گذار بوده است؟	۳.۲	۲.۸	۳	۳.۲

سؤال	ترکمستان	قزاقستان	روسیه	آذربایجان
میزان شناخت شما از اثرات انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه از طریق برخورد مستقیم چقدر است؟	۳.۱	۳.۳	۳.۴	۳.۱
میزان شناخت شما از اثرات انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه از طریق تحقیق و مطالعه چقدر است؟	۲.۹	۳	۳.۴	۲.۸
میزان شناخت شما از اثرات انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه از طریق مطبوعات چقدر است؟	۲.۹	۲.۶	۳.۵	۲.۸
میزان شناخت شما از اثرات انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه از طریق رسانه‌های تصویری چقدر است؟	۳.۱	۳	۳.۵	۳.۷
میزان شناخت شما از اثرات انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه از طریق تصورات ذهنی چقدر است؟	۳.۳	۳.۵	۳.۷	۲.۸
میزان شناخت شما از اثرات انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه از طریق صحبت افراد دیگر چقدر است؟	۳	۲.۸	۴.۱	۳.۷

پنج. نتایج سؤالات میزان آشنایی مخاطبان با انواع اثرات انقلاب ایران در کشورهای آسیای میانه نتایج در جدول ۵ آمده است. قزاقستان دارای کمترین اثر در این ارتباط بوده است.

جدول ۵. نمرات مربوط به بخش میزان آشنایی مخاطبان با انواع اثرات انقلاب ایران

در کشورهای آسیای میانه

سؤال	ترکمستان	قزاقستان	روسیه	آذربایجان
آیا انواع تأثیرات انقلاب اسلامی ایران را در کشورهای آسیای میانه می‌شناسید؟	۳.۴	۳	۳.۲	۴.۱
آیا انقلاب اسلامی ایران در بخش سیاسی کشورهای آسیای میانه تأثیر گذار بوده است؟	۳.۳	۲.۷	۳.۷	۳.۱
آیا انقلاب اسلامی ایران در بخش فرهنگی کشورهای آسیای میانه تأثیر گذار بوده است؟	۲.۷	۲.۷	۳.۲	۳.۴
آیا انقلاب اسلامی ایران در بخش اجتماعی کشورهای آسیای میانه تأثیر گذار بوده است؟	۳.۲	۲.۹	۳.۳	۳.۹
آیا انقلاب اسلامی ایران در بخش اقتصادی کشورهای آسیای میانه تأثیر گذار بوده است؟	۳.۳	۳.۱	۳.۱	۳
آیا انقلاب اسلامی ایران در بخش دینی و مذهبی کشورهای آسیای میانه تأثیر گذار بوده است؟	۳.۴	۳	۲.۸	۳.۳
آیا انقلاب اسلامی ایران در بخش هنری کشورهای آسیای میانه تأثیر گذار بوده است؟	۲.۸	۲.۷	۳.۴	۳

سؤال	ترکمستان	قزاقستان	روسیه	آذربایجان
آیا انقلاب اسلامی ایران در بخش ورزشی کشورهای آسیای میانه تأثیر گذار بوده است؟	۳.۳	۲.۶	۳.۶	۳
میزان شناخت شما از انواع اثرات انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه از طریق برخورد مستقیم چقدر است؟	۳.۵	۲.۹	۳	۳.۶
میزان شناخت شما از انواع اثرات انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه از طریق تحقیق و مطالعه چقدر است؟	۳.۱	۲.۹	۳.۲	۲.۹
میزان شناخت شما از انواع اثرات انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه از طریق مطبوعات چقدر است؟	۳.۵	۲.۳	۳.۴	۲.۵
میزان شناخت شما از انواع اثرات انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه از طریق رسانه‌های تصویری چقدر است؟	۳.۳	۲.۳	۳.۶	۲.۶
میزان شناخت شما از انواع اثرات انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه از طریق تصورات ذهنی چقدر است؟	۳.۱	۲.۶	۳.۱	۲.۶

شش. نتایج سؤالات میزان آشنایی مخاطبان با اثرات اقتصادی انقلاب ایران در کشورهای آسیای میانه نتایج در جدول ۶ آمده است. قزاقستان دارای کمترین اثر در این ارتباط بوده است.

#### جدول ۶. نمرات مربوط به بخش میزان آشنایی مخاطبان با اثرات

##### اقتصادی انقلاب ایران در آسیای میانه

سؤال	ترکمستان	قزاقستان	روسیه	آذربایجان
آیا انواع تأثیرات اقتصادی انقلاب اسلامی ایران را در کشورهای آسیای میانه می‌شناسید؟	۴	۳	۳.۲	۴.۱
آیا انقلاب اسلامی ایران در بخش اقتصاد داخلی در کشورهای آسیای میانه تأثیر گذار بوده است؟	۳.۷	۲.۸	۳	۳.۷
آیا انقلاب اسلامی ایران در بخش اقتصاد خارجی در کشورهای آسیای میانه تأثیر گذار بوده است؟	۳.۵	۲.۷	۳.۴	۳.۴
آیا انقلاب اسلامی ایران در بخش بهبود زندگی در کشورهای آسیای میانه تأثیر گذار بوده است؟	۳.۹	۲.۵	۲.۵	۳.۴
آیا انقلاب اسلامی ایران در بخش افزایش درآمد مردم در کشورهای آسیای میانه تأثیر گذار بوده است؟	۳.۵	۲.۴	۳	۳.۳
آیا انقلاب اسلامی ایران در بخش نحوه افکار اقتصادی و تمایل به داشتن دولت با اقتصاد دینی در کشورهای آسیای میانه تأثیر گذار بوده است؟	۳.۵	۲.۳	۳.۳	۲.۹
آیا انقلاب در بخش تغییر شیوه فکری مردم به نحوه سیاست دولت‌ها در قبال اقتصاد فعلی کشورهای آسیای میانه تأثیر گذار بوده است؟	۳.۶	۲.۷	۲.۳	۳.۶

سؤال	ترکمنستان	قزاقستان	روسیه	آذربایجان
میزان شناخت شما از انواع اثرات اقتصادی انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه از طریق برخورد مستقیم چقدر است؟	۳.۵	۲.۷	۳.۶	۳.۷
میزان شناخت شما از انواع اثرات اقتصادی انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه از طریق تحقیق و مطالعه چقدر است؟	۳.۵	۲.۱	۳.۳	۳.۱
میزان شناخت شما از انواع اثرات اقتصادی انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه از طریق مطبوعات چقدر است؟	۳.۴	۲.۶	۲.۸	۲.۹
میزان شناخت شما از انواع اثرات اقتصادی انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه از طریق رسانه‌های تصویری چقدر است؟	۳.۵	۲.۴	۳.۸	۳.۱
میزان شناخت شما از انواع اثرات اقتصادی انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه از طریق تصورات ذهنی چقدر است؟	۲.۶	۲.۶	۳.۷	۳

هفت. نتایج سؤالات میزان آشنایی مخاطبان با اثرات اجتماعی انقلاب ایران در آسیای میانه نتایج در جدول ۷ آمده است.

#### جدول ۷. نمرات مربوط به بخش میزان آشنایی مخاطبان با اثرات اجتماعی

##### انقلاب ایران در آسیای میانه

سؤال	ترکمنستان	قزاقستان	روسیه	آذربایجان
آیا انواع تأثیرات اجتماعی انقلاب اسلامی ایران را در کشورهای آسیای میانه می‌شناسید؟	۳.۶	۲.۶	۴	۴
آیا انقلاب اسلامی ایران در بخش روابط داخلی در کشورهای آسیای میانه تأثیرگذار بوده است؟	۳.۷	۲.۵	۳.۹	۳.۳
آیا انقلاب اسلامی ایران در بخش معضلات اجتماعی در کشورهای آسیای میانه تأثیرگذار بوده است؟	۳.۳	۲.۲	۲.۶	۲.۶
آیا انقلاب اسلامی ایران در بخش بهبود زندگی اجتماعی در کشورهای آسیای میانه تأثیرگذار بوده است؟	۳.۴	۳	۴.۱	۳.۹
آیا انقلاب اسلامی ایران در بخش ناهنجاریهای اجتماعی در کشورهای آسیای میانه تأثیرگذار بوده است؟	۳.۵	۲.۴	۲.۳	۳.۲
آیا انقلاب اسلامی ایران در بخش نحوه افکار اجتماعی و تمایل به داشتن دولت با تفکرات دینی در مناسبات اجتماعی تأثیرگذار بوده است؟	۳.۴	۲.۴	۳.۱	۲.۶
آیا انقلاب اسلامی ایران در بخش تغییر شیوه فکری مردم به نحوه سیاست دولت‌ها در قبال قوانین اجتماعی فعلی تأثیرگذار بوده است؟	۳.۳	۳.۲	۳.۲	۳
میزان شناخت شما از انواع اثرات اجتماعی انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه از طریق برخورد مستقیم چقدر است؟	۳.۳	۲.۹	۳.۴	۳.۴

سؤال	ترکمنستان	قزاقستان	روسیه	آذربایجان
میزان شناخت شما از انواع اثرات اجتماعی انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه از طریق تحقیق و مطالعه چقدر است؟	۲.۹	۲.۴	۳.۹	۳.۴
میزان شناخت شما از انواع اثرات اجتماعی انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه از طریق مطبوعات چقدر است؟	۳.۲	۲.۹	۳.۳	۳.۷
میزان شناخت شما از انواع اثرات اجتماعی انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه از طریق رسانه‌های تصویری چقدر است؟	۳.۳	۲.۲	۴	۳.۱
میزان شناخت شما از انواع اثرات اجتماعی انقلاب اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه از طریق تصورات ذهنی چقدر است؟	۳.۲	۳.۱	۳.۱	۲.۸

#### ۴. دلایل متأثر بر نتایج تحقیق و بحث

همان‌گونه که نتایج آزمون‌های توصیفی نشان داد نمرات تخصیص یافته در کشورهای مختلف، متفاوت اما نشان از شناخت مخاطبین از انقلاب، اثرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن دارد. به نظر می‌رسد باید با شناخت بیشتر از عوامل به وجود آورنده، پیشنهاداتی برای شناخت بیشتر ارائه داد که در مباحث بعدی به آن پرداخته می‌شود.

سواد اطلاعاتی، مفهومی است که در نتیجه تحولات و تغییرات سریع در فن‌آوری‌های اطلاعاتی پیدا شده و مجموعه مهارت‌هایی است که فرد به منظور ادامه حیات در جامعه اطلاعاتی به آنها نیازمند است. این سواد، قدرت دسترسی مؤثر به اطلاعات با ارزش، آگاهی از چگونگی سازماندهی دانش و اطلاعات، روش‌های مختلف جستجو، توان تشخیص مشکل و شناخت مؤثرترین اطلاعات برای رفع آن است. به نظر می‌رسد سطح سواد اطلاعاتی در افراد و کشورهای مورد مطالعه پایین باشد. در همین ارتباط اطلاع و تحقیق در راستای پدیده انقلاب کمتر صورت پذیرفته است.

جامعه اطلاعاتی، جایی است که تولید، توزیع و استفاده از اطلاعات برای تمامی امور زندگی به صورت آزادانه در دسترس همگان قرار داشته باشد. سواد، امروز مجموعه عملیاتی است که یک شهروند باید برای انجام امور زندگی خود در یک شهر یا جامعه از آن برخوردار باشد. در چنین جامعه‌ای که همه مردم می‌توانند از اطلاعات خام و پرورده استفاده کنند شانس ارتقای زندگی بهتر و دسترسی به مشاغل برتر بیشتر خواهد شد. توانایی استفاده از رایانه، اینترنت و کاربردهای فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات بخشی از سواد اطلاعاتی را

تشکیل می‌دهند که باید نگاه شهروندان به جامعه اطلاعاتی، متفاوت از جامعه سنتی باشد تا بتوانند جامعه جهانی اطلاعاتی را درک کنند. به نظر می‌رسد در اکثر کشورهای آسیای میانه فقدان جامعه اطلاعاتی و سانسور اطلاعات مانع از درک اتفاقات انقلاب ایران، بوده است.

یک. سیاست روسیه در قفقاز و ایجاد حساسیت اجتماعی  
اولویت‌های سیاست روسیه در منطقه که باعث تحركات و حساسیت‌های اجتماعی گردید به شرح ذیل بودند.

۱. حفظ وضع موجود: با توجه به قرارداد سال ۱۹۲۱ میان روسیه و ترکیه که در آن روسیه ضامن حفظ امنیت مرزهای سه کشور جنوبی قفقاز یعنی آذربایجان، ارمنستان و گرجستان و همچنین حفظ وضعیت خودمختاری موجود در نخجوان و نیز خودمختاری آجارها در گرجستان می‌باشد، حضور روسیه به لحاظ حقوقی شکلی قانونی پیدا کرده و از این رو این کشور سعی در حفظ وضعیت موجود در این منطقه به نفع خود دارد.

۲. ایجاد کمربندی از کشورهای دوست در اطراف فدراسیون روسیه: روسیه این کار را با انعقاد قراردادهای دوجانبه امنیتی میان خود و کشورهای منطقه، ترویج و تشویق همکاری‌های چندجانبه در چارچوب‌های اروپایی، تأکید بر نیل به امنیت دسته‌جمعی با انعقاد قرارداد امنیتی با آذربایجان، ارمنستان و گرجستان و نیز فعالیت در چارچوب سازمان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع دنبال می‌کند.

۳. جلوگیری از بهره‌گیری از خاک قفقاز جنوبی برای تهدید روسیه: روسیه به منظور جلوگیری از تهدید امنیت خود توسط اقدامات و تحركات تروریستی و نیز بی‌ثباتی در منطقه یا افزایش فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه در درون فدراسیون روسیه، به ویژه در منطقه چچن، سعی خواهد کرد با هرگونه تحرك و فعالیت این چینی برخورد جدی کند.

۴. تمدید دامنه منازعات نظامی در منطقه: وقوع هرگونه کشمکش شدید نظامی امنیت روسیه را با تهدید جدی مواجه خواهد کرد؛ زیرا با گسترش دامنه این ستیزها احتمال سرریز آن به درون خاک روسیه افزایش یافته و روسیه را با خطر وقوع جنگ داخلی مواجه می‌سازد.

۵. جلوگیری از مهاجرت غیرقانونی از قفقاز جنوبی به روسیه: روسیه سال‌ها است که با این معضل روبه‌رو است. هزاران مهاجر غیرقانونی سالانه از طریق مرزهای زمینی و دریایی قفقاز جنوبی به امید زندگی بهتر به روسیه مهاجرت می‌کنند که این امر بر اقتصاد و بازار کار



روسیه تأثیرات منفی بر جای گذاشته است. در حال حاضر جمعیت دو میلیون نفری آذری‌ها در روسیه بخش وسیعی از اقتصاد آشکار و پنهان روسیه را در دست دارند.

۶. همکاری با آمریکا در بخش نظامی برای مقابله با تروریسم: روس‌ها با اینکه از مشارکت هیچ کشوری در قفقاز خشنود نبوده‌اند اما به دلایل امنیتی و اقتصادی اخیراً تا حدودی حضور نظامی آمریکایی‌ها را در منطقه پذیرفته‌اند. حضور نیروهای آمریکایی در گرجستان برای محافظت از دره پان کیسی که به زعم آنان محل اختفای تروریست‌هاست از جمله این موارد است.

۷. تضمین شرایط مطلوب برای صدور نفت حوزه دریای خزر: به نظر می‌رسد که روس‌ها علاوه بر پذیرفتن حضور نظامی آمریکا در منطقه با طرح انتقال نفت خزر از طریق خط لوله باکو - جیحان نیز به نحوی کنار آمده‌اند؛ زیرا به نظر روس‌ها این خط لوله نمی‌تواند در درازمدت بر منابع نفتی آذربایجان متکی باشد و در نهایت برای صرفه اقتصادی آن باید نفت قزاقستان یا روسیه نیز از این طریق منتقل شود که در صورت تحقق این امر در نهایت تسلط روسیه بر این خط لوله تضمین خواهد شد.

۸. فراهم ساختن امکانات برای تسریع روند ادغام در اقتصاد جهانی: شبکه رسمی و مافیای اقتصادی روسیه هیچ رقیبی را در منطقه تحمل نمی‌کند و با تسلط بر گلوگاه‌های اقتصادی قفقاز عملاً اقتصاد منطقه را کنترل می‌کند. با این اوصاف به نظر می‌رسد که روسیه این منطقه را به عنوان حوزه اقتصادی خود برگزیده و سعی دارد خود ابتکار عمل را در این حوزه در دست داشته باشد.

۹. تضمین آزادی کشتیرانی در دریای سیاه و دریای خزر: روسیه با توجه به این امر در دریای خزر به منظور بهره‌برداری از منابع انرژی از تقسیم بستر دریا و به منظور تضمین آزادی کشتیرانی از مشاع بودن سطح پشتیبانی می‌کند.

۱۰. مساعدت به ثبات داخلی کشورهای حوزه قفقاز: با توجه به اینکه بی‌ثباتی در منطقه قفقاز جنوبی می‌تواند به بی‌ثباتی در منطقه قفقاز شمالی بینجامد، روس‌ها خواهان برقراری ثبات داخلی در کشورهای قفقاز هستند، اما در عین حال در پاره‌ای از موارد، روسیه به تولید ناامنی در منطقه در چارچوب سیاست‌های خود پرداخته است.

دو. سیاست آمریکا در منطقه و مقابله اجتماعی

برخی از عواملی که از نظر دولت آمریکا به این منطقه اهمیت می‌بخشد عبارتند از:

۱. با توجه به افزایش نیاز به انرژی در آینده، وجود منابع نفت و گاز بر اهمیت این منطقه افزوده و موجب رقابت برخی از قدرت‌های اقتصادی برای تسلط بیشتر بر منابع انرژی شده است.
۲. کشورهای تولیدکننده نفت در این منطقه به دریای آزاد راه ندارند و این امر مانعی در راه رساندن نفت و گاز به سایر مناطق دنیاست که این خود وضعیت سیاسی منطقه را پیچیده‌تر کرده است.

۳. رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای حضور و نفوذ در منطقه مانند کشورهای: روسیه، ایران، ترکیه، اسرائیل و برخی از کشورهای اتحادیه اروپایی.

۴. اهمیت ژئوپلیتیک منطقه به ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان و عراق؛ به طوری که این منطقه از نظر نظامی و امنیتی جایگاه ویژه‌ای در سیاست آمریکا پیدا کرده است.

سه. تحرکات رژیم صهیونیستی

به دنبال سقوط اتحاد جماهیر شوروی سابق و ظهور جمهوری‌های جدید در قفقاز و آسیای مرکزی، رژیم صهیونیستی تلاش گسترده‌ای برای نفوذ اقتصادی و سیاسی در این منطقه که اکثریت آن را مسلمانان تشکیل می‌دادند، آغاز کرد. بدین ترتیب رژیم صهیونیستی در پایان سال ۱۹۹۲ کشورهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان را به رسمیت شناخت و در سال ۱۹۹۳ با ترکمنستان روابط دیپلماتیک برقرار کرد. اقدامات سریع تل‌آویو برای راه‌اندازی ارتباط با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، سه هدف اصلی سیاسی، امنیتی و اقتصادی را دنبال می‌کرد. جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه، متقاعد کردن دولت‌های آسیای مرکزی به عدم حمایت از استقلال فلسطین و پیوستن به سازمان‌های اسلامی جهانی از مهم‌ترین اهداف دانسته می‌شد. به‌طور کلی اهداف رژیم صهیونیستی در آسیای مرکزی و قفقاز به صورت ذیل خلاصه می‌شود:

در میان کشورهای آسیای مرکزی، قزاقستان بیشترین ارتباطات را با رژیم صهیونیستی داراست؛ در سال ۲۰۱۰ میان رژیم صهیونیستی و قزاقستان توافقاتی در زمینه سرعت بخشیدن به همکاری‌های حوزه صنایع نظامی و همچنین پژوهش‌ها و مطالعات هوا و فضا

صورت گرفته است. اکنون در پارلمان قزاقستان انجمن دوستی اسرائیل و قزاقستان وجود دارد که اساس آن از سال ۲۰۰۹ گذاشته شده است، ولی فعالیت‌های مستمر آن بنابر دلایل گوناگون به‌طور مداوم صورت نمی‌گرفت. نمایندگان این مجلس روابط بین دو کشور را در درجه اول در عرصه سیاسی و اقتصادی مورد توجه قرار می‌دهند. دو هیئت نظامی قزاقستانی نیز در اواخر فوریه ۲۰۱۱ به رژیم صهیونیستی سفر کردند تا طیف وسیعی از مسائل امنیتی از قبیل همکاری در حوزه امنیت و تقویت همکاری‌های اقتصادی و فعالیت‌های نظامی را مورد بحث و بررسی قرار دهند.

امیدهای رژیم صهیونیستی برای افزایش نفوذ در تاجیکستان عمدتاً از طریق تلاش برای توسعه روابط با تاجیکستان و دستیابی به پیشرفت در زمینه همکاری با این کشور آسیای مرکزی و اغلب از طریق ورود و گسترش فعالیت کارفرماها و تجار یهودی در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این کشور انجام می‌گیرد. خانواده‌های این تجار یهودی، قبل از فروپاشی اتحاد شوروی و اعلام استقلال تاجیکستان با درک حساسیت اوضاع در سال اول مقاومت‌های سیاسی داخلی در تاجیکستان، از این کشور به غرب و اسرائیل کوچ کرده بودند. این افراد اکنون در تلاش هستند تا جایگاه از دست رفته خود در آسیای مرکزی و تاجیکستان را با استفاده از ساختارهای سیاسی تل‌آویو احیا کنند. از نگاه دولتمردان تاجیکستان، این کشور که به تازگی از جنگ داخلی رهایی یافته و دارای اقتصاد ورشکسته با پیامدهای سنگین بحران مالی جهانی است، راه‌یابی به بازار جهانی و همکاری نزدیک با کشورهای مترقی، مثل آمریکا و به تبع آن رژیم صهیونیستی می‌تواند گامی بزرگ در راستای احیای وضعیت اقتصادی و موقعیت سیاسی به شمار آید.

#### چهار. احزاب اسلامی و اثرات اجتماعی

موجودیت احزاب اسلامی در کشورهای آسیای مرکزی یک رویکرد جدید نیست، بلکه آسیای مرکزی در بستر تاریخ، جنبش‌ها و نهضت‌های گوناگون را در خود پرورانیده است و در مقاطع مختلف زمانی به اهداف متفاوتی از بطن انبوه مشکلات زمانی و اجتماعی سر بیرون آورده و در راه نیل به اهداف مطلوب خویش تا به پای حیات مبارزه کرده است. در فرجام یا بنابر ضعف‌های سازمانی و یا بعضی عوامل دیگر درونی و بیرونی تغییر شکل کرده و یا هم از تحرک بازمانده است. دلایلی که موجب انقلاب و ظهور چنین تحولاتی شده است را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد.

۱. کشورهای آسیای مرکزی دیانت اسلامی دارند و حتی گاهی اوقات این سرزمین کانون تمدن اسلامی بوده است. همین تفاوت ایدئولوژیکی موجب شده تا علیه استیلاگران اجنبی به مبارزه برخیزند. چون روسیه تزاری و شوروی که قرن‌ها بدین مرز بوم حکومت کرده بنابر اختلاف ارزشی و باور دینی و ایدئولوژیک در تضاد با همدیگر قرار داشته‌اند.

۲. برتری جویی امپریالیستی نظام استعماری که قبلاً یادآور شدیم؛ چون از نظر سیاسی هدف نظام‌های امپریالیست، بلعیدن منابع مواد خام اعم از طبیعی و غیره بدون در نظر داشت نیازمندی‌های ملی و بشری جوامع مظلوم و بی‌دفاع می‌باشد.

از آنجا که هدف از تحقیق این مضمون مطالعه نهضت‌ها و احزاب اسلامی در آسیای مرکزی است، پس لازم است تا توجه خویش را بیشتر به هدف تحقیقی خویش معطوف نموده و به مطالعه کمی و کیفی احزاب و گروه‌های اسلامی در آسیای مرکزی بپردازیم.

شاید بتوان وجه مشترک همه گروه‌های بنیادگر اسلامی در منطقه را مشروع ندانستن دولت‌های موجود یا دعوی مشارکت در حوزه قدرت و مخالفت با اسلام دولتی و درخواست بازگشت به بنیادها و ارزش‌های اصیل اسلام در جامعه دانست. این گرایش‌ها موجب شد تا در حالی که در اواخر دوره شوروی اتحاد میان طرفداران اسلام سنتی و گروه‌های بنیادگرا برای احیای اسلام پدید آمده بود، پس از فروپاشی شوروی و در مقابل تهدیدی که از فعالیت گروه‌های بنیادگرا احساس می‌شد، اتحاد تاکتیکی میان طرفداران اسلام سنتی و نمایندگان نهادهای دولتی پدید بیاید. این در حالی است که با تصویب قانون آزادی مذاهب و فعالیت‌های دینی در برخی جماهیر آسیای مرکزی از جمله در قزاقستان، تاجیکستان و ازبکستان در سال ۱۹۸۹ زمینه حضور گروه‌های دینی در جامعه و رسانه‌های عمومی نیز فراهم شده بود. اما ظهور شخصیت‌ها و گروه‌های مذهبی تأثیرگذار و بیم دولت‌های آسیای مرکزی از قدرت گرفتن آنها باعث شد که دولت‌های منطقه از همان سال‌های اول پس از فروپاشی به منظور مهار کردن این گروه‌ها، فعالیت سیاسی احزاب دینی را ممنوع اعلام کنند و قوانین را برای غیر قانونی کردن احزاب سیاسی که ساختار مذهبی دارند به تصویب برسانند. اما این ممنوعیت‌ها در کنار اقبال مردم به گروه‌های اسلامی موجب شد که این احزاب فعالیت خود را به صورت غیر رسمی و گاهی زیرزمینی گسترش دهند.

## نتیجه

انقلاب اسلامی به دلیل داشتن عناصر دینی از لحاظ تئوری و معنوی از بدو پیروزی‌اش در سال ۱۹۷۹ علی‌رغم اینکه کشورهای حاشیه دریای خزر تحت حاکمیت و کنترل شدید حکومت مسکو بود، تأثیرات ایدئولوژیکی و معنوی مشخصی بر منطقه گذاشت. این مسئله از انقلاب اسلامی، الگویی ارائه کرد که به عنوان چراغ راهنمای مردم منطقه در مسیر اسلام‌گرایی، آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی قرار گرفت و از این جهت، زمینه تحولات اقتصادی و اجتماعی چند سال بعد فراهم آمد.

پس از فروپاشی شوروی و شکل‌گیری جمهوری‌های کشورهای حاشیه دریای خزر، امید آن بود که جمهوری اسلامی ایران از فضای مساعد به وجود آمده برای نفوذ در این منطقه و انتشار پیام و الگوی انقلاب اسلامی استفاده بهینه کند، اما آنچه در عمل اتفاق افتاد، این بود که هیچ یک از دولت‌های برآمده از انقلاب اسلامی، آن‌چنان که باید نتوانستند تحولات اقتصادی و اجتماعی کشورهای منطقه، که هر کدام آستان تحولات درونی و بیرونی بسیاری بودند را تحت تأثیرات قابل توجه قرار دهند. (میانجی‌گری در بحران قره‌باغ، یک استثناء محسوب می‌شود)

سیاستمداران ایران با چالش‌های بیرونی مواجه بودند که محصول دخالت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در رقابت با ایران در این منطقه است. از طرفی چالش‌ها و موانع طبیعی و ذاتی مانند تفاوت نژادی و مذهبی با کشورهای ارمنستان، گرجستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و گرایشات پان‌ترکیسم که در آذربایجان وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت که انقلاب اسلامی ایران در تحولات منطقه پس از استقلال این جمهوری‌ها سهم بالایی ندارد و حال آنکه می‌توانست داشته باشد و نتایج تحقیق حاضر مؤید این موضوع است.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد انقلاب اسلامی در آینده باید سیاست فرهنگی متفاوتی در منطقه داشته باشد. در این راستا دقت به مواردی ضروری به نظر می‌رسد:

۱. تأکید بر ارتباطات منطقه‌ای: در رابطه با تعاملات منطقه‌ای، نظریه ارتباطات در روابط بین‌الملل در کنار سایر نظریات بسیار مطرح است. دیدگاه‌های کارل دوویچ به عنوان نظریه‌پرداز اصلی در این زمینه و در سطوح جهانی و منطقه‌ای مورد توجه بسیار قرار گرفته است. در سطح منطقه‌ای، همان‌طور که هاس تأکید می‌کند، توجه به مناطق مرزی، ارتباطات و انجام برنامه‌ریزی‌های لازم در این زمینه، بسیار مهم است. در کنار پی‌آمدهای فراوان

همگرایی، همگرایی در جهت کم‌رنگ کردن مرزهای متعارف و متصلب میان واحدهای ملی تعیین‌کننده است. بنابراین، توجه به اهمیت ارتباطات منطقه‌ای و همجواری مرزی میان ایران با دو کشور قفقاز جنوبی (آذربایجان و ارمنستان) و ترکمنستان در آسیای مرکزی، می‌تواند در بسترسازی تأثیر انقلاب اسلامی بر تحولات سیاسی این کشورها مؤثر واقع شود.

۲. توجه به نقش تاریخی ایران در منطقه: تئوریسین‌های انقلاب اسلامی باید دریابند که بخشی از کشورهای حاشیه دریای خزر در گردونه تاریخ، همواره بخشی از قلمرو ایران بوده است و علی‌رغم دو قرارداد گلستان (۱۸۱۳) و ترکمنچای (۱۸۲۸) که از ایران جدا شد، همچنان پیوندهای تاریخی و فرهنگی خود با ایران را حفظ کرده است. مرز، تاریخ، فرهنگ مشترک و از همه مهم‌تر، تأثیر مستقیم تحولات قفقاز جنوبی بر امنیت و تمامیت ارضی ایران به عنوان مصادیق مفاهیم کلیدی در همگرایی منطقه‌ای، می‌تواند دلایل روشن و محکمی بر مشروعیت حضور مؤثر ایران در روند تحولات منطقه قلمداد شود.

۳. درک صحیح از تهدیدات و چالش‌ها: دیپلماسی انقلاب اسلامی همواره از سوی قدرت‌های جهانی با محدودیت‌ها و تهدیداتی روبه‌رو بوده است. این امر در رابطه با کشورهای حاشیه دریای خزر به دلیل شرایط خاصی که دارد جدی‌تر است. از سوی دیگر، انقلاب اسلامی می‌باید خود را با چالش‌های احتمالی منطقه آماده کند. به عنوان مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به تغییر مرزها به دلیل تداوم مناقشات و جنگ‌های قومی و مرزی، خطر گسترش بی‌ثباتی و هجوم آوارگان به ایران در صورت وقوع جنگ‌های احتمالی در منطقه اشاره نمود. بدیهی است این عوامل به همراه هرگونه تقویت حضور کشورهای متخاصم در منطقه، امنیت ایران را تهدید خواهد کرد.

#### منابع و مأخذ

۱. اداره انتشار اسناد، ۱۳۷۲، «اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز»، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۲. افشردی، محمد حسین، ۱۳۸۱، ژئوپولیتیک قفقاز؛ سیاست جمهوری اسلامی ایران، تهران، سپاه پاسداران، چ ۱.

۳. امام خمینی، سیدروح الله، ۱۳۶۱، *صحیفه نور*، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

۴. امیر احمدیان، بهرام، ۱۳۷۶، *جغرافیای قفقاز*، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

۵. تقوی اصل، سید عطا، ۱۳۸۴، *ژئوپلیتیک جدید ایران، از قزاقستان تا گرجستان*، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

۶. جباری، ولی، ۱۳۸۹، *شیعیان آذربایجان*، قم، انتشارات شیعه شناسی.

۷. جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۸، *حق و باطل، گردآوری و تنظیم محمدرضا جوادی*، تهران، انتشارات پیام آزادی، چ ۱.

۸. جلالی، محمد رضا، ۱۳۷۳، «*قفقاز و آسیای مرکزی: ورود به صحنه و ترکیب بندی مجدد فضای ژئواستراتژیک*»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۶، پاییز.

۹. حشمت زاده، محمدباقر، ۱۳۸۷، *تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱۰. حیات خان، عظمت، ۱۳۷۳، «*راه آهن و اقتصاد آسیای مرکزی و قفقاز*»، *مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ش ۸، زمستان.

۱۱. خرمشاد، محمد باقر و همکاران، ۱۳۹۰، *بازتاب های انقلاب اسلامی ایران*، تهران، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

۱۲. سازمان جغرافیایی ن.م، ۱۳۹۰، *قزاقستان*، اداره اطلاعات جغرافیایی، تهران، زیتون سبز، سهره.

۱۳. سجادی پور، محمد کاظم، ۱۳۸۳، *چارچوب های مفهومی و پژوهشی برای مطالعه سیاست خارجی ایران*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی بین الملل، چ دوم.

۱۴. سنایی، مهدی، ۱۳۷۶، *جایگاه ایران در آسیای مرکزی*، تهران انتشارات بین المللی الهدی.

۱۵. کلاتی، جواد، ۱۳۹۲، *امام خمینی و رسالت مبانی هدایت*، تهران، عروج.

۱۶. کولایی (طبرستانی)، الهه، ۱۳۸۹، *سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی* (با تجدید نظر)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۱۷. کوهکن، علیرضا، ۱۳۸۸، «مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی»، *نشریه راهبرد یاس*، شماره ۱۷، بهار.
۱۸. مبانی نظری صدور انقلاب از منظر امام خمینی ره برگرفته از:  
<http://basij.ir/main/definitioncontent.php?UID=105466&vn=105406>
۱۹. مجیدی، محمدرضا و دیگران، ۱۳۸۷، *غرب آسیا، نظام بین‌الملل و همگرایی منطقه‌ای*، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ج ۱.
۲۰. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۱، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۲.
۲۱. مهدیزاده، غلامرضا، ۱۳۸۸، *سیاست‌های امنیتی و اقتصادی در آسیای میانه، قفقاز و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، بیشه.
۲۲. واعظی، حسن، ۱۳۷۹، *اصلاحات و فروپاشی*، تهران، انتشارات سروش.
23. Akiner, Shirin, 1994, *Political and Economic trends in Central Asia*, London: I.B. Tauris.
24. Ipek, Pinar, 2007, "The role of Oil and Gas in Kazakhstan Foreign Policy", *Europe- Asia Studies*, Vol.59, No.7.